



BOOK REVIEW

الناز نجفی

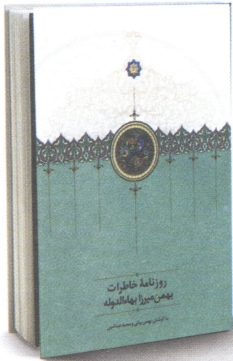
روزی به چشم اندازی بی بدیل

آنچه لا به لای سطور کتاب موج می زند،
نه رویدادهای گذشته است و نه بیم
آینده، بلکه «حال» است



کتاب حاضر، تصحیح روزنامه خاطرات شاهزاده بهمن میرزا ملقب به بهاءالدوله، پسر سی و هشتم فتحعلی شاه قاجار، از شوال ۱۲۷۰ تا جمادی الثانی ۱۲۷۳، مبتنی بر نسخه خطی موجود در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است. نویسنده وقایع سه سال از سلطنت ناصرالدین شاه قاجار را روز به روز و بی کم و کاست روایت کرده است. شروع خاطرات با جمله «امروز این کتابچه از نو نوشته ام»، به این معنی است که او خاطره نویسی را پیش از این تاریخ آغاز کرده و آنچه در دست داریم، نخستین کتابچه خاطرات او نیست. نگارش وقایع روزانه در قالب روزنامه خاطرات در این دوران، رسمی جدید میان رجال و به تاسی از فرنگیان بوده است؛ چنان که اعتماد السلطنه، مخبر السلطنه هدایت، عین السلطنه، عزیز السلطان و شخص شاه نیز خاطراتشان را تحریر می کردند؛ لیکن عموم این کتابها یا دست کم آنهایی که امروز معرف حضور ماست، همگی متأخرتر از خاطرات بهاءالدوله است. التزام به اسلوبی کم و بیش مشابه در روزنامه نویسی میان بهاءالدوله، اعتماد السلطنه و شخص شاه ما را از این که بهاءالدوله را آغازگر این جریان بدانیم بر حذر کرده و





اوضاع و روزگار تحریر کتاب

در این دوران، میرزا آقاخان نوری صدراعظم است و مملکت داری بر همان سیاق قدیم اعتمادالدولگی است که دست کم سابقه‌ای هزارساله داشت؛ مثلاً اینکه تصمیمات حکومتی در باب مسائل داخلی یا خارجی، در خانه صدراعظم و با حضور امرا و امانا گرفته می‌شود (ص ۱۱۷). در موضوعات سرنوشت‌سازتری نظیر غائله هرات و چگونگی برخورد با انگلستان، شاه مجلس شورایی با حضور رجال و شاهزادگان در اتاق بزرگ زمستانی آینه بر گزار می‌کند (ص ۴۸۵). فرزندان ناصرالدین شاه خردسال‌اند و نایب‌الایاله‌ها و حکام نواحی مختلف معمولاً از فرزندان خاقان مرحوم (فتحعلی شاه) یا بنی عباس (فرزندان عباس میرزا) تعیین می‌شوند. اوقات شاه هنوز از سوءقصد نافر جام تلخ است. برخی از مظنونان ماجرا را مجازات کرده و برخی در تبعیدند. نواحی مختلف از جمله رشت، کرمان و خصوصاً خراسان آشفته است. خلاصه‌ایامی است که شاه هیچ تحمل مخالف ندارد: «بعد [شاه] قدری فحش داد که مردم [رجال] پاری حرفها می‌زنند. حکما از این به بعد سکوت نمی‌کنم، می‌کشم، حکما خواهم کشت اگر فرزند من باشد» (ص ۳۸۲). انگلستان به تدریج مشغول

بر آن می‌دارد که مترصد یافتن خاطرات دیگرانی سابق بر او باشیم. آنچه مسلم است این که جافتادن و شدت یافتن عادت خاطره‌نویسی در میان رجال، از دهه ۱۲۸۰ ق. به بعد و البته همراه با آغاز تحولی ژرف در همه مواضع زندگی ایرانیان بود. نتیجه این امر، افزایش چشمگیر اسناد تاریخی پس از این برهه است؛ هم به علت تعدد خاطره‌نویسان، آمد و شد فرنگیان مقیم و مسافرانی که عادت به سفرنامه‌نویسی داشتند و هم رواج صنعت عکاسی در ایران. همه این‌ها **روزنامه خاطرات بهمن میرزا بهاءالدوله** را به سندی کم‌نظیر تبدیل می‌کند که می‌توان سطرها و صفحات بسیاری درباره اهمیت تاریخی آن نوشت؛ از جمله: **رویدادهای سیاسی مهم داخلی و خارجی: فتح هرات، حمله قوای انگلیسی به بوشهر، تیرگی روابط با انگلستان. جزئیات مربوط به شاه و خاندان سلطنتی و رجال: ولادت و فوت ولیعهد شاه، ولادت کامران میرزا نایب‌السلطنه، وفات امام جمعه. تحولات ارگ و دارالخلافه: احداث خیابان نظامیه، تملک و وقف اراضی سرقرآقا، برنامه‌ریزی برای توسعه شهر که پانزده سال بعدتر محقق شد. تاریخ اجتماعی: شیوع و با، تشییع جنازه امام جمعه. وضعیت آب‌وهوای تهران.**

روزنامه خاطرات بهمن میرزا بهاءالدوله

- بهمن بیانی و مجید عبدامین
- نشر دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۹۹
- ۱۱۰۰ نسخه
- ۶۹۵ صفحه
- ۱۵ هزار تومان





با اینکه کتاب در
زمانه پرتنش نوشتی
شده، اما پیداست
که هیچ کس را
از شخص شاه و
صدر اعظم تا مردمان
عادی از حظ بردن
منصرف نکرده است،
مملکتی که شاه برای
عرض صمیمیت
و دستخوش به
شاهزادگان وعده
بازدید از کتابخانه،
تفنگخانه و
شمشیرخانه اش را
می دهد

تجمع قواد خلیج فارس و بوشهر است. بهاء الدوله به تاریخ دوم ربیع الاول سنه ۱۲۷۳ می نویسد: «قنصل انگلیس فرار کرده است رفته است» (ص ۴۶۱). هم و غم شاه و رجال باز پس گیری هرات است و هنوز پیدان نیست که انگلیس پشت پرده این ماجراست. ذیل وقایع چهاردهم ماه ربیع الاول ۱۲۷۳ آمده که: «سه ساعت از دسته گذشته صدای توپ بلند شد، خبر فتح هرات رسید» (ص ۴۶۳). بلافاصله پس از این ماجرا خبر می رسد که «بیست و پنج کشتی انگلیسی به کنار دریا (خلیج فارس) آمده است... حواس صدر [اعظم] بهم خورد» (ص ۴۸۴). حالا وقت تصمیم گیری است که شاه رویه صلح پیش گیرد یا جنگ. با رای زنی فراوان، صلح بر جنگ مقدم تشخیص داده می شود (ص ۴۸۷). اما در این اثنا، قوای انگلیسی در حال پیش روی در خشکی تانزدیکی بوشهر است. در مجلسی خدمت شاه استخاره می شود، آیه جهاد می آید و شاه عزم می کند که جنگ کند و برای پیروزی جواهر دریای نور را هم خرج کند (ص ۴۸۸). چندی نمی گذرد که خبر تصرف بوشهر می رسد. بهاء الدوله در بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۲۷۳ از قول شاه می نویسد: «بندر بوشهر را انگلیس ها گرفتند، با ما مکر کردند، امیدواریم صلح زود بگذرد» (ص ۴۹۰). مناسبات میان شاه و شاهزادگان هنوز صبغه ایلی خود را حفظ کرده؛ به طوری که شاه بزرگ ایل قاجار به شمار می رود و همه امور مهم از جمله ازدواج و طلاق و نظایر این باید با اجازه او صورت گیرد؛ برای مثال ضیاء السلطنه، دختر بزرگ فتحعلی شاه، با وجود کهولت سن از آنجا که بی اذن شاه به همسری حسین خان درمی آید، مغضوب شده و از حرمت شاهزادگی می افتد (ص ۱۰۴).

دو سال پس از اتمام این خاطرات، به سال ۱۲۷۵ق، صدر اعظم خلع می شود. برکناری میرزا آقاخان پایانی است بر دوران طولانی مملکت داری به طریق کهن. چند سالی پس از او، ایام صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، طلیعه روزگاری جدید است. قبل و بعد از این دوران، چه به لحاظ شیوه های اداره مملکت و چه به لحاظ مظاهر مادی زندگی، قابل قیاس نیست. پس از آن است که چراغ برق، روزنامه، پلی تکنیک، خیابان کشی و تغییر بافت شهری، تراموا، راه آهن، مغازه و فروشگاه، بانک، پست و تلگراف، راه و بنادر و گمرکات، کارخانجات و ساختمان سازی به شیوه جدید به صورتی سبیل آسار می نماید که البته عادت نوشتن روزنامه خاطرات نیز از همین قبیل است؛ لیکن کمبود خاطرات، سفرنامه ها، اسناد، عکس و نقشه، راجع به پیش از این عطف، مطالعه آن روزگار را در محذور قرار داده است.

بهاء الدوله که بود؟

به گواهی تذکره ها، بهمن میرزا بهاء الدوله، شب یکشنبه بیست و سوم شوال ۱۲۲۶ از زنی بسیار معتبر و مورد وثوق به نام گل بدن خانم ملقب به خازن الدوله متولد شد. او از طفولیت اسمانایب الایاله مازندران بود. در زمان فتحعلی شاه و محمدشاه مدت کوتاهی حکومت سمنان و دامغان، کاشان و بعد یزد را بر عهده داشت. اما «کیستی» او آن چیزی است که باید در آینه این کتاب دید و شناخت. بهاء الدوله حین تحریر این خاطرات، ایام میان سالی و پختگی را می گذراند. بهرغم میل و

خواسته اش در این زمان، حکومتی به او محول نشده و پیداست که در این امر کفایت چندانی نداشته است، در نتیجه روزگار را در دارالخلافه می گذراند و با رجال و خصوصاً صدر اعظم حشرو نشری دائمی دارد. با وجود آنکه ایام حکومت بهاء الدوله در کاشان طولانی نبود، ارتباطش را با رجال کاشان، از جمله سید ابراهیم لاجوردی کاشانی یا محمد تقی لسان الملک سپهر کاشانی، نویسنده کتاب **ناسخ التواریخ**، حفظ کرده است. او شخصی کتاب دوست و با مطالعه است و حامی معنوی اصحاب قلم؛ هر چند بدخطی و اغلاط فراوان املایی نشان می دهد که بیشتر سواد خواندن دارد یا به قول قدیمی ها «خط می خواند». ذوق خوراک دارد و شاید دستی در آشپزی (ص ۵۹). به گل و گیاه توجه و علاقه خاص دارد و خصوصاً برای شخص شاه و مهد علیادانما آ گیاهانی که در باغش می پروراند هدیه می فرستد. نه اهل سفر است و نه اهل مجالس قمار و شراب. شاید بتوان بهاء الدوله را شخصی سنتی دانست، ولی متعصب نه؛ او همان قدر که در **روزنامه خاطر اشر** بر ثبت تاریخ قمری و مناسبت های مذهبی مقید است، ذکر تاریخ جلالی و مناسبت های ملی را از قلم نمی اندازد.

دراهمیت کتاب

بهاء الدوله در آستانه دگرگونی ای عظیم ایستاده است. هر چند تصمیم او مبنی بر نوشتن خاطرات روزانه متأثر از غرب است، اما آنچه از آن گزارش می کند، یعنی آداب و عادات مآلوف ایرانیان و خصوصاً طبقه متوسط، هنوز تأثیر چندانی از غرب نپذیرفته است و زندگی در این دوران بر همان طریقی است که سده ها پیش از این بود. از این روی می توان خاطرات بهاء الدوله را به روزنی تشبیه کرد که از خلال آن چشم اندازی بی بدیل پیداست. اسلوب **روزنامه خاطرات** واجد قوت و ضعف است. قوت از آن رو که **روزنامه** بهتر از هر سند دیگری ما را در معرض زوایا و خفایای زندگی روزمره مردمان آن روزگار قرار می دهد؛ خصوصاً اینکه به نظر می آید نویسنده آن به نوشتن همه آنچه ذهنش را به خود مشغول داشته مقید بوده است. ضعف از آن رو که در **روزنامه خاطرات** مجالی برای طرح و بسط امور مهم وجود ندارد، ای بسا چیزهایی که نویسنده فراموش می کند بنویسد یا آنچه کم اهمیت می شمرد در عوض چه بسیار اموری که بنابه نیت و اغراضی بر آن تأکید زیاد از حد می کند. ضمن آنکه تعلق نویسنده به طبقه اجتماعی ای خاص، عاملی است که ما را از تعمیم دادن بسیاری از امور زندگی اش به قشر وسیع تری از مردم بازمی دارد؛ لیکن همه این محدودیت ها مربوط به مرتبه ای از کتاب است: آن مرتبه ای که از خود آگاه نویسنده نشئت گرفته، به ذهن او تراویده و بر زبانش جاری شده است. حال آنکه بخش مهم تری از محتویات هر کتاب، ناشی از بی ارادگی و حتی بی خویشی نویسنده است. هر کتاب به اعتبار این شأن، شبیه آینه می شود. فرقی نمی کند یک آینه چه ابعاد و اندازه ای دارد؛ کوچک ترین آینه ها هم قادر است تصاویر نامتناهی را منعکس کند. خاطرات بهمن میرزا بهاء الدوله نیز همین طور است؛ صورت ظاهر شرح تنها سه سال از مآوقع زندگی شاهزاده ای نه چندان پراهمیت از خاندان قاجار است. اما واقع امر این است که این کتاب آینه ای است پیش روی شیوه

زندگانی معهود اهالی یک سرزمین: دغدغه‌ها، تعلقات، امیدها و بیم‌ها، طرز تفکر دربارهٔ مهم‌ترین امور حیات نظیر ولادت و مرگ، آداب و تعارفات، دوستی‌ها، رقابت‌ها و دشمنی‌ها، پسندها و سلیق و نظایر این. تفصیل اینکه کتاب در هر یک از این فقرات چه حرفی برای گفتن دارد در این مجال نمی‌گنجد؛ ولی شاید بتوان به توضیح مختصری اکتفا کرد:

آنچه لابه‌لای سطور کتاب موج می‌زند، نه رویدادهای گذشته است و نه بیم آینده، بلکه «حال» است. با اینکه کتاب در زمانهٔ پرتنش نوشته شده، اما پیداست که هیچ‌کس را از شخص شاه و صدراعظم تا مردمان عادی از حظ بردن منصرف نکرده است، مملکتی که شاه برای عرض صمیمیت و دستخوش به شاهزادگان و عدهٔ بازدید از کتابخانه، تفنگخانه و شمشیرخانه‌اش رامی‌دهد (ص ۲۷۵). صدراعظمش «به امراء و امانا تمام، شید تر می‌فرستد» (ص ۲۳۹). تابستان که به آخر می‌رسد، حاکم شیراز برای رجال شیشه‌های آبلیمو و ترش‌جات شیرازی می‌فرستد (ص ۳۲). اعیان در ساختن نارنجستان‌های معطر (ص ۵۶) و حمام‌های زیبا (ص ۶۱) با هم رقابت می‌کنند و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نویسنده سردنشدن هوا در ماه قوس (آذر) است که مانع شده یخچال‌داران بتوانند یخ بگیرند (ص ۳۱۴).

توجه به حال همچون منش باغبانی است که می‌داند گردش فصول به ارادهٔ او نیست و او نمی‌تواند کاری کند که بهار طولانی‌تر شود یا زمستان از راه نرسد. باغبان خوب کسی است که «وقت» را درمی‌یابد؛ وقت هرس کردن، وقت کود دادن، وقت آبیاری کردن و البته وقت لذت بردن از تماشای باغ بهاری؛ چون می‌داند که در همین حظ بردن و تصدق در خندان رفتن نیز بهره‌ای برای باغ هست. در واقع شکیبایی باغبان در پاییز، زمستان، بهار یا تابستان، به معنی بی‌عملی او نیست؛ کار او پروردن است و در پروردن بیشتر کار برعهدهٔ پرورده است و نه پروراندن. در عوض باغبان چشمی بینا دارد و مجاری ادراکی تربیت شده‌ای که او را به زمین و آسمان و خاک و باد گره زده است. فراغت داشتن و شکیبایی لازمهٔ باغبانی است و همین ویژگی هاست که سبب می‌شود او زودتر از هر کس دیگری بفهمد که «امروز بنفشهٔ پرپر در باغ مانور بر سه‌دانه‌اشده» (ص ۸۹). در واقع پس از آن عطف تاریخی، مهم‌ترین چیزی که تغییر کرده همین فراغتی بود که اسباب در یافتن حال و حظ بردن می‌شد. واضح است که معنی دم‌زادریافتن، پرهیز از آینده‌نگری نیست. از قضا منظور توجه به حال از جهتی است که آیین آینده است؛ چنان که درخت آیین ثمراتی است. اما چه ثمراتی؟ بر اثر دریافتن حال است که اصلاً آیدهٔ «باغ» به معنی محلی برای تفریح و تماشا پدید می‌آید. بر اثر همین طریق ادراک حیات است که «نارنجستان» پدید می‌آید و درست در زمان تحریر این کتاب، ساختنش اوج می‌گیرد. نارنجستان باغ زمستانی است و کسانی خیال ساختن نارنجستان به مخیله‌شان خطور کرده که نمی‌خواستند هیچ زمانی را برای لذت بردن و تفریح از دست دهند. این که بهاء‌الدوله نگران یخ‌نگرفتن یخچالیان است از چه روست؟ مسلماً نه از این باب که کمبود یخ در تابستان حیات انسان را به خطر می‌اندازد، بلکه به این خاطر که عیش تابستانی را منغص می‌کند. تابستان بدون یخ، تابستان بدون آب یخ،

شربت خنک و پالوده است. بدین سان به هر دستاورد تمدنی ایرانیان در هر زمینه که بنگریم، اعم از باغ، زعفران، گلاب، مخمل، زربفت، کاشی‌کاری، آینه‌تراشی، جام‌بری و نظایر این، آن‌را حاصل دریافتن وقت، و محملی برای تنعم از حال می‌یابیم. هرآن چیزی از عطر، رنگ و طعم، که خیال را بارور و خاطر را نوازش می‌کند، حاصل ذوق و دریافتی است که با تمام وجود در حال حاضر شاعر و نگران بوده تا موفق شده به آنی این لطیفه را در یابد و در یابد.

دربارهٔ تصحیح کتاب و مصححان

آنچه تصحیح نسخه را تا به امروز به تعویق انداخته بود، بدخطی نسخه و اشتباهات نگارشی بود و درک صورت صحیح هر یک نیاز به صرف وقت، حوصله و دقت داشت. برای تصحیح چنین متنی، اشراف به زبان فارسی کافی نیست. بسیارند عبارات و افتادگی‌هایی که باید به قرینهٔ متون و خصوصاً خاطرات هم‌زمان فهمیده شوند. فراتر از زبان، باید مصحح با جهان این آثار تا اندازه‌ای قرابت و آشنایی داشته باشد تا او را واجد صلاحیت در رفع افتادگی‌ها و ترمیم متن، آن‌طور که بایسته است، بدانیم. بهمین بیانی خود از خاندان جهانیانی از احفاد سیف‌الله میرزا، برادر بهمین میرزا بهاء‌الدوله، است. به این اعتبار، ایشان بر شاخه‌ای بالیده که هنوز به این ریشه‌های کهن متصل بود و از آن تغذیه می‌شد. به جز این نسبت، علاقه و کنجکاوی خود او به شناخت روابط خاندانی، وقایع، اسناد و مکتوبات باز مانده از آن دوره، وی را در زمرهٔ معدود مورخان و مصححان با اطلاعاتی پر دامنه دربارهٔ بسیاری از وجوه زندگی آن عصر قرار می‌دهد. به جز مقالات متعدد دربارهٔ اشخاص و اسناد قاجاری، تصحیح و انتشار کتابچهٔ جمع و خرج ممالک محروسهٔ سنهٔ ۱۳۰۴ ق. از آثار پراچ ایشان است. مجید عبدالمین سال‌ها وقت خود را صرف تصحیح روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین شاه مربوط به سال‌های ۱۲۸۳ تا ۱۲۹۰ ق. و سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ ق. به انضمام سفرنامه‌های او به خراسان، گیلان، عتبات، سفر اول فرنگ و مرقع ناصری کرده است که حاصلش تا به امروز هشت مجلد است که به همت انتشارات دکتر محمود افشار منتشر شده است. نتیجهٔ همکاری این دو بزرگوار در تصحیح نسخهٔ حاضر، کتابی است که ضمن پایبندی به اسلوب کلی نویسنده، هر جا که لازم بوده به قدر کافی توضیح و تحشیه شده است. فهرست‌های چندگانه لغات و اصطلاحات به تفکیک موضوعات مختلف، اعم از اشخاص، مکان‌ها، مدنیات، خوراکی‌ها، گیاهان، جانوران و کتاب‌ها تنظیم شده، به نحوی که رجوع مورخان و محققان در هر رشته‌ای را ساده‌تر می‌کند؛ ضمن آنکه در فهرست‌ها هر کجا که تشابهات اسمی ممکن بوده خواننده را به خطا بیندازد، مختصر توضیحی در باب نسبت‌ها و روابط خاندانی آمده است. حال که نتیجهٔ این کوشش منتشر شده و می‌توانیم آن را تورتق کنیم، تازه می‌فهمیم چرا این کتاب تاکنون مهجور و مغفول بوده است. گویی برای تصحیح چنین متنی، حوصله و پشتکار مصححان کافی نبوده، بلکه درک درست ایشان از قدر و قیمت واقعی این نسخه است که ایشان را به این کار صعب واداشته و سبب شده از عهدهٔ باغبانی آن تارسیدن به ثمره‌ای آبدار برآیند. *

بهاء‌الدوله به تاریخ دوم ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۷۳ می‌نویسد: «قنسول انگلیس فرار کرده است رفته است» (ص ۴۶۱). هم و غم شاه و رجال باز پس‌گیری هرات است و هنوز پیدا نیست که انگلیس پشت پردهٔ این ماجراست.